

## تعلیم و تربیت ایران باستان

و می‌توانستند مدیر تشریفات مذهبی نیز بشوند<sup>۱</sup>. چپستی که ایزد دانش است مؤنث می‌باشد<sup>۲</sup> و همین خود نشانه احترامی است که در آئین زردشتی نسبت بزنان ابراز شده است.

در شاهنامه اشارات چندی راجع بسواری و شرکت زنان در شکار و فنون جنگی موجود است از آنجمله داستان گورد-<sup>۸- تربیت بدنی</sup> آفرید می‌باشد و مسلم است که چون در ایران دوره کیانی اولاد سالم و نیرومند می‌خواستند تربیت بدنی زنها نیز اهمیت میدادند.

۱ — ابدا دینکرد ج ۱۵ کتاب ۸ قسمت ۲۱ ص ۹۷ .  
۲ — دینکرد ج ۶ کتاب ۸ .

## بند دوازدهم

### تعلیمات عالیہ . علم الہی و حقوق

بعضی از قرائن ما را بموجود بودن قسمنائی از تعلیمات عالیہ در ابران اوسنائی رھبری میکند و از آجملہ است ذکر ستا مدرس و اسناد بزرگ دورہ کیانی . کہ صد شاگرد در پای درسش می نشستند .<sup>۱</sup>

۱ - وجود  
تعلیمات عالیہ  
در دورہ اوسنائی

سہ شعبہ تعلیمات عالیہ عبارت از علم الہی و حقوق و طب بودہ است و نیز در کتاب و ندبداد<sup>۲</sup> اسمی از یک مدرسہ

۲ - علوم الہی

عالی برای علوم الہی باسم اروادستان<sup>۳</sup> آمدہ است کہ اھورا مزدا بہیم (جمشید) تأسیس آنرا تکلیف کردہ بود . قسمتی از نسک ہو سپروم ( نسک ۱۷ ) کہ مفقود شدہ و مربوط بحرفہ روحانیت بود و ایشان مجموعہ قوانینی نیز داشتند نام اثر پاتیستان . نسک گم شدہ دیگری که در همین موضوع بودہ است موسوم بہ ورشت منسر است .<sup>۴</sup>

از طنفات چھارگانہ ابرانیان طبقہ اول روحانیون بودہ اند .

اٹروان

شخص روحانی را اٹروان<sup>۵</sup> ( آذربان - یا پاسبان آتش )

میکفتند و پایہ بزرگ روحانیین از این معلوم شود کہ بکای از القاب اھورا مزدا

۱ - فروردین ہشت ہمرہ ۰۲۵

۲ - وندیداد باب دوم ہمرہ ۰۴۳

۳ - Aervatistân.

۴ - Varslmansca دینکرد ج ۱۰ کتاب ۸

۵ - Avrahan

اتروان است<sup>۱</sup> و زردشت نیز ائروان خوانده شده است<sup>۲</sup>. داشتن خصائص آذربانی و یا داشتن فرزندان<sup>۳</sup> که قابلیت آذربانی را داشتند بر کنی بزرگ<sup>۴</sup> می‌شمردند. مقام رئیس روحانیون که لقبش زرتشتر<sup>۵</sup> بوده بعد از شاه بر سایر مقامها برتری داشت. روحانیون زردشتی برخلاف معمول به برخی از مذاهب دیگر هم‌حق ازدواج داشتند و هم حق تملک. مقام ریاست روحانی ارثی و حق اولاد ذکور و حتی رموزی که در ضمن تعلیمات ایشان بود از پدر پسر میرسید<sup>۶</sup>.

زرتشتر<sup>۷</sup> تمه به‌مرور ایام مقامی نظیر پاپ احراز نموده و در ادعیه از او برکت طلبیده میشده است. مقر او در مرکز روحانیت بوده و او رئیس روحانین ایالتی که اسمش «رتو»<sup>۸</sup> است بوده و معنی آنرا خداوند روحانیت یا رئیس روحانین بدانسته‌اند. رئیس امور روحانی با «اهو» که حاکم امور غیر روحانی ایالت بوده در اداره امور شرکت می‌کرده است.

جنبه معلمی نیز داشته که معروف به ائراپیتی<sup>۹</sup> یعنی رئیس امور معارف و تربیت عمومی است. علاوه بر این دیگر بنام سروشاورز<sup>۱۰</sup> بوده که عهده دار تشخیص و تمیز تشریفات مذهبی و فتوی بوده است و میتوان از او بفقیه و معنی تعبیر کرد.

در کتب مقدسه اوستائی هشت جنبه روحانی ذکر شده است که اشخاص معینی برای انجام هر يك از آنها گماشته میشدند و در امور پرستش گروهی هشت وظیفه بوده که در عصر کیانی هر وظیفه‌مند باسم نوع وظیفه‌ای که مأمور انجام آن بود معروف گردیده بوده است.

۱ — پشت اول فقره ۱۲ و ۱۵.

۲ — پشت ۱۳ فقره ۹۴.

۳ — پشت ۱۹ فقره ۵۳ و پيسای دهم فقره ۱۵.

۴ — Zaragnstratema.

۵ — پشت ۴ فقره ۱۰۰ و پشت ۱۴ فقره ۴۶.

۶ — Ratu.

۷ — Acra-paiti.

۸ — Sarao-Savarez.

- ۱ - زائتر ۱ که در هنگام پرستش و تشریفات مذهبی وظیفه تلاوت گاتها را داشت و قربانی میکرد.
  - ۲ - هاونن ۲ کارش این بوده که شیرۀ گیاه مقدس هوما ۳ را بگیرد.
  - ۳ - ائروخش ۴ کارش این بوده که آتش مقدس را روشن نماید و مجمری را که در آن آتش مینهادند از سه سوی می شست و دائم پاک نگاه میداشت و نیز علاوه بر این وظائف «زائتر» را در تلاوت گاتها همراهی مینمود.
  - ۴ - فرابرتر ۵ برنده چیزها کار او این که در حین قربانی و عبادت اسباب وافزار لازم را به زائتر میرسانید و نیز گوشه چهارم مجمر را میشت.
  - ۵ - آسناتر ۶ که مشتق از کلاه اوسنائی آسنا به معنی شستن است، کارش شستن و تصفیه هوما بوده.
  - ۶ - رثویشکر ۷ کارش آمیختن هوما با شبر و معاونت اثروان بوده.
  - ۷ - آبرتر ۸ آورنده چیزهای لازم بود.
  - ۸ - سراوشاورز ۹ کارش طارت بر سایرین و مدیریت جریان تشریفات مذهبی بوده ۱۰.
- در زمانهای بعد و امروز کارهای فوق را فقط دو نفر انجام میدهند ولی در ایران باستان که کار زردشتیان زیاد بوده کارکنان نیز زیادتر بوده اند و کارهای مذهبی چنانچه در بالا ذکر شده تخصصی بوده است.
- خصائص روحانی  
 خصائصی که این گروه باید دارا باشند در نسکهای مفقود اوسنا ذکر شده بود و در دینکرد (ج ۱۵ کتاب ۸) بآنها اشاره شده و از آنجمله است:
- ۱ - غذای ساده و باندازه خوردن.

۱ - Zaotra در زبان معاصر زردشتیان آبرا زوت بارونی نامند zul, zuni.

۲ - havanen      ۳ - haoma      ۴ - A/are vaxs.      ۵ - Faraberetar.

۶ - Asnatar.      ۷ - Raeviskara.      ۸ - Aberatar.      ۹ - Sraosávarez.

۱۰ - یشت ۲۴ فقره ۱۵ و ویدداد ۵ فقره ۵۷.

۲ - قناعت و صبر .

۳ - پارسائی که اهم خصائص است .

۴ - پاکیزگی و تقوّه روحانی . تشریفات مذهبی زمانی مؤثر است که شخص روحانی دارای این خصائص باشد .<sup>۱</sup>

۵ - مطالعه دائم کتب مقدسه . شخص روحانی واقعی کسی است که شب زنده داری کند و وقتش را به بیداری و مطالعه گذارند و کسی که شبانگه بدون مطالعه بخواب رود و خود را روحانی شناسد دروغگو است .<sup>۲</sup>

۶ - ینش و دانش . اثر روان راستگردار و شاگردان وظیفه مند او از اناهیتا ( ناهید ، ایزد ، آب ) تمنای دانش و ینش<sup>۳</sup> و از چیستی ( ایزد دانش ) تمنای حافظه خوب میکنند<sup>۴</sup> و ناهید آذربانی را که قانون مقدس را فرا گرفته و دانشمند و چالاک است و از آئین سرشار نیکی میدهد .<sup>۵</sup>

وظایف ایشان عبارتست از :

وظایف روحانیین

۱ - تشریفات مذهبی . ۲ - دادن کمر بند مقدس .

۳ - تشریفات ازدواج و دعای اموات . ۴ - قربانی در آتشگاه .

۵ - تطهیر نجاسات و آلودگیها . ۶ - درمان ناخوشیها .

۷ - دور کردن ارواح بد و نایاک . ۸ - اجراء عدالت ،

۹ - تعبیر رؤیایها ، ۱۰ - دبیری و مشاورت شاه . ۱۱ - نظارت بر صواب

و خطای مردم . ۱۲ - تشبیه کننده و توبه دهنده خطا کاران .<sup>۶</sup>

۱۳ - کمک رساندن بفقره بوسیله گرد آوری اعانه .<sup>۷</sup>

۱۴ - مسافرت بجایهای دور دست برای تبلیغ آئین زردشتی .

و این وظایف معرف آنست که روحانیین بر اکثر مقامات و مشاغل دست

داشته آنها را منحصر بخود میکردند جز جنک ، که هنگام احضار تمام مردان سالم برای کارزار ایشان معاف بودند .

۱ - بشت دهم فقره ۱۲۸ . ۲ - وندیداد ۱۸ فقره ۵ و ۶ .

۳ - بشت ۵ فقره ۸۶ . ۴ - بشت ۱۶ فقره ۱۷ . ۵ - بشت ۵ فقره ۹۱ .

۶ - دینکرد ج ۱۵ کتاب ۸ . ۷ - ایضا دینکرد .

## بند سیزدهم تعلیمات عالیہ : طب

توسعه در تعلیمات علم الہی در زمان ساسانیان وجود تعلیمات عالیہ را در دورہ های قبل تا حدی تأیید میکند .

بہر حال تعلیم روحانیین در مراتب مستلزم تحصیلات عالیہ ای  
۱ - مدارک اوسنائی بود از قبیل تحصیل و فہم تمام اوستا و تداوی روحی کہ  
رشتہ آن بظن طب منتهی میشود و اتفاقاً از فن طب با مدارک اوسنائی میتوان اطلاعات  
معتبری داد .

مسبب اصلی امراض اہریمن است<sup>۲</sup> و امراض گوناگون را  
۲ - علل امراض نیز بدیوہای مختلف نسبت میدادند<sup>۳</sup> و همچنین اشخاصیکہ  
وجودشان تأثیرات سوئی داشت باعث مرض میشدند. خاصہ بدخواہان و دشمنان  
شور چشم<sup>۴</sup> بعدہا در نتیجہ تجربہ محقق گردید کہ امراض دارای علل طبیعی  
است و از اینجہت برای معالجہ گیاہهای طبی توسل جستند .

وقتی علت مرض را تأثیر سوء دیوہا پنداشتندی علاج آن  
۳ - وردہا رای دفع ناچار بوسیلہ ورد مؤبدان صورت میگرفت . بہترین پزشکان  
امراض آنانی بودند کہ بوسائل وردہای مذہبی مرضا را درمان  
کنند .<sup>۵</sup>

۱ - اطلاعاتی کہ در اوستا راجع بپیدایش عالم و حیوان شناسی و انسان شناسی و غیرہ  
ہست ما را بوجود تعلیمات عالیہ علوم مزبور تا حدی کہ در خور زمان بود رہبری میکند.

۲ - وندیداد ۲۲ فقرہ ۲ و ۹ . ۳ - وندیداد ۲۰ فقرہ ۲ و ۹ . ۴ - وندیداد

۲۰ فقرہ ۳ و ۶ . ۵ - دینکرد ج ۱۵ کتاب ۸ فقرہ ۱۷ ص ۴۸ .

مشاوره طبی نیز در ایران اوستائی معمول بود چنانکه در  
 ۴ - مشاوره طبی  
 مواقعی که تشخیص امراض مشکل بود چندین طبیب باهم مشاوره  
 میکردند و از آنجمله بودند اطبائی که بوسیله نباتات معالجه مینمودند و آنهاست که  
 کارد جراحی بکار میبردند و آنانکه بوسیله وردها و تلقین علاج بیماران میکردند.  
 در میان طبیبان آنهاست که علاوه بر طبابت صاحب جنبه مذهبی نیز بودند بر دیگران  
 ترجیح داشتند<sup>۱</sup>.

روش معالجه پزشکی که جنبه مذهبی داشتند بوسیله تلقین و وردها و  
 ادعیه انجام میگرفت. اشا وهبشا ( اردیبهشت ) منشاء روحانی درمان شناخته میشود  
 است. ایزد هئوم نیز دارای فوای درمان بخش بوده است.

امراضی را که علل طبیعی پیدا شده بود و چنین تشخیص  
 ۵ - ادویه و جراحی  
 داده میشد، بوسیله ادویه ای که از نباتات میساختند مداوا  
 مینمودند و مواضع ناسالم بدن را در مواقع لزوم جراحی میکردند<sup>۲</sup>.

در اینجا بی مناسبت میدانیم از یکجای شاهنامه ذکر را  
 ذکر یک مورد  
 که در باب جراحی رفته است نقل کنیم این جراحی در  
 جراح در شاهنامه  
 هنگام تولد رستم و سبت برودابه شده است از جمله  
 نکات قابل توجه آن یکی بیهوش کردن مریض پیش از عمل و دیگری عمل مهم  
 جراحی سزارین در قابلیت است:

بیامد یکی مؤبد چیره دست  
 بکافید بی هیچ پهلوی ماه  
 چنان بی گزندش برون آورد  
 هر آن ماهرخ را همی کرد مست  
 ساید مر بچه را سر ز راه  
 که کس در جهان این شکفتی ندید

۶ - طب در اوستا  
 شرح طب در یکی از کتب اوستائی موسوم به هوسپارم نسک  
 بوده که مفقود شده است.

در این نسک دستوراتی راجع بحق العلاج و حدود عملیات بطیبهای خارجی<sup>۳</sup>

۱ - یشت سوم هفده ۶ و نود و نوداد ۷ هفده ۴۴.

۲ - یشت سوم هفده ۶ و نود و نوداد ۷ هفده ۴۴ ایضا ۲۰ هفده ۳.

۳ - دیگرد کتاب ۸، ۳۷، ۱۴.

## امراض مختلف

و فن بيطاری<sup>۱</sup> که در کتاب مفقود نیکا دوم نسک راجع بآن بوده است ذکر شده  
رای تجارب طبی جنایتکاران را بکار میبردند.<sup>۲</sup>

لااقلسی و پنج مرض مختلف در قسمتهای مفقود نشده اوستا  
۷ - امراض مختلف اسم برده شده<sup>۳</sup> و در یکی از تألیفات زبان پهلوی که مستخرج  
از اوستا بوده ۴۳۳۳ مرس مختلف ذکر شده است.<sup>۴</sup>

مفیده<sup>۵</sup> مزدا پرستان اهورا مزدا هیلوونها گیاه مفید برای رفاه انسان  
رویانیده<sup>۶</sup> و آنها را نیز دارای فوائد دوائی میدانسته اند

در آن قسمت مفقود اوستا موسوم به ینت اردیبهشت قوانین  
۸ - خصوصیات طبیب و شرایط طبابت دینکرد بآنها اشارتی شده است .

هیچ طبیبی بدون تصدیق حق طبابت نداشته است<sup>۶</sup> هر جراحی را  
۹ - تصدیق طبابت لازم بود که قبلا سه عمل جراحی در بدن غیر مزدا پرستان

بماید<sup>۷</sup> و در صورت موفق نشدن بر این سه نوت عدم قابلیت او را اعلام مینمودند  
و او را دائماً از طبابت محروم مینساختند ولی در صورت موفقیت در سه عمل مزبور  
ویرا برای معالجه<sup>۸</sup> مزدا پرستان مجاز میدانستند .

و طیفه<sup>۹</sup> اول طب این بود که مریض را سخمند نماید و  
۱۰ - اخلاق حرفه‌ای کسی که این منظور اخلاقی را بهیچ علنی از پیش نمیرد

در نظر دیگران پست شمرده میشد . هر گاه طبیبی مدت مرض کسی را برای  
منظور استفاده<sup>۱۰</sup> شخصی درازتر میکرد در نزد مردم منظور میشد . مزدا پرستان

۱ - دینکرد ۸ : ۳۸ و ۱۲۰ . ۲ - دینکرد ۸ ، ۲۰ و ۴۰ .

۳ - ینت ۵ هرزه ۹۲ و یشت ۱۳ فقره ۱۳۱ و غیره .

۴ - کریستنسن در معاله راجع تعلیم و تربیت ساسانیان در مجله<sup>۱۱</sup> تعلیم و تربیت سال ۵  
نمره ۹ و ۱۰ صفحه ۴۵۸ مؤلف مجهولی را که رساله<sup>۱۲</sup> او مقتبس از اوستا است ذکر  
نموده است .

۵ - و ندیداد ۲۰ فقره ۴ و دینکرد ج ۱۶ کتاب ۳۷

۶ - دینکرد ج ۱۶ کتاب ۰۸ - ۷ - و ندیداد هفتم ۳۶ - ۳۸ .



ملزم بودند که برای معالجات طبی به پزشکان ایرانی رجوع نمایند<sup>۱</sup> و فقط در صورت اجبار به پزشکان بیگانه مراجعه کنند<sup>۲</sup>. در هر موقعی که به پزشک مراجعه میگردید وی ملزم بود که اجابت نماید ولی عجله در معالجه مرض را نیز مذموم میشمردند.

تشخیص قطعی مرض مهم شمرده میشد. قبل از آنکه طبیب بمعالجه اقدام کند لازم بود که هر نشانه و حالتی را مورد تفنیش و مطالعه و آزمایش قرار دهد.

فقط پس از معالجه کامل مریض طبیب حق دریافت

۱۱ - حق المعالجه

حق المعالجه داشت<sup>۳</sup> و میزان حق المعالجه بسته بمقام اجتماعی و اقتصادی افراد جامعه بود. چنانچه میزان حق المعالجه حیوانات نیز موط سودمندی و ارزش اقتصادی آنها بود. وسیله پرداخت حق المعالجه عارت از اشیاء و مواد طبیعی و حیوانات اهلی بود. مثلاً رئیس بک خانواده دراز گوشی میداد و رئیس یک ده گاوی میداد و رئیس یک قصه اسب یا شتری میداد و شاه یک اراده چهار اسبه میداد و یک نفر مؤبد یا شخص روحانی در مقابل حق المعالجه دعا مینمود<sup>۴</sup>.

اهمیت فوق العاده پرورش مواشی و ضرورت صیانت و مراقبت

۱۲ - بيطاری

آنها در آئین مزدا پرستی موجب گردیده بود که فن بيطاری نیز پیشرفت یابد و در ایران اوسنائی اشخاص خاص بوده اند که امراض حیوانات را معالجه مینمودند و در معالجه حیوانات هم ادویه و هم عملیات جراحی معمول میداشته اند<sup>۵</sup>. در وندیداد انواع مختلف امراض سگها شمرده شده است<sup>۶</sup>.

میزان حق المعالجه بيطارها نیز منوط بمیزان سودمندی و ارزش اقتصادی حیواناتیکه معالجه میشدند بوده است<sup>۷</sup>. تعلیم طبی محتمل است بوسیله شاگردی بوده.

۱ - وندیداد هشتم ۳۶ - ۳۹. ۲ - دینکرد ج ۱۶ کتاب ۸.

۳ - وندیداد بیست و یکم فقره ۳.

۴ - وندیداد هشتم فقره ۴۱ - ۴۳ و دینکرد ج ۱۶ کتاب هشتم.

۵ - دینکرد ج ۱۵ کتاب هشتم. ۶ - وندیداد چهاردهم فقره ۱۷.

۷ - وندیداد هشتم فقره ۴۳.

# بخش دوم

تعلیم و تربیت ایران

در عصر مادی

## بند اول

### اوضاع سیاسی و اجتماعی مادها

۱ - گاهی بتاریخ سیاسی مادها  
در حدود دوهزار سال قبل از میلاد مهاجرین آریائی بشمال غربی ایران روی آورده و رفته رفته بومیها را از پیش میراندند.

بعضی از آن قبائل آریائی که بطرف جنوب رفته بودند مانند کاسی ها<sup>۱</sup> که زبان ایشان آریائی بوده در حدود ۱۷۰۰ سال قبل از میلاد در منطقه زاگرس سکونت اختیار نموده بودند. دسته دیگری موسوم به میتانیها<sup>۲</sup> در حدود ۱۵۰۰ سال قبل از میلاد در شمال بین‌النهرین استیلا یافته بودند و رطیق کتیبه هائی که در بغازگوئی، آسیای صغیر، اخیراً کشف شده سلاطین مینانی خدایان آریائی را می پرستیدند

در حینه ترین ساکنین آریائی شمال غربی ایران، مادها، میباشند که همتراز پارسها بودند و زبانان پارسیها و باختریها و سفیدیها یکی بوده است<sup>۳</sup> در قرن نهم قبل از میلاد در کتیبههای آشوری از مادها یادها<sup>۴</sup> ذکر کرده بود.

۱ - Kassites.

۲ - Mittanis.

۳ - Strabon. 15:2.8.

۴ - Mada, Madas در ۸۳۸ ق. م. سام نمر آشوری صاحب همجواری پارسوا یا پارسواش رفت و ممالک آمادیا آمد و در ۸۳۵ ق. م. یا سه سال دیرتر نهم نمر آشور را مهمترین قبیله در میان قبایل آریائی تشخیص داد. رجوع شود بتاریخ آشور (بر طبق منابع اصلی و کوشهای جدید) بزبان اسکایسی، تالیف Illustead، ص ۲۴۴ (چاپ نیویورک ۱۹۲۳).

## خصوصیات نژادی مادها

دئوکس سردودمان شاهی  
بنا بر منابع نویافته آشوری در اوایل سلطنت سارگن  
(۷۲۲-۷۰۵ ق م .) بیست و دو کدخدا یا سران قراء  
مادی هدایا در نزد پادشاه آشور بردند<sup>۱</sup> . شاید دئوکس  
نیز در زمره آنان بوده است . بنابر یادداشت هرودوت<sup>۲</sup> پیش از آنکه دئوکس  
(۷۰۸ - ۶۵۵ ق م .) سلطه مادها را شیرازه بندی نمود . مادها بخش عشیره  
تقسیم شده بودند . عشیره ششم یعنی مغها<sup>۳</sup> متصدی امور روحانی مادها بودند و بعدها  
هم ایشان مؤبدان و آذربانان در ایران دوره هخامنشی گردیدند . در دنیای قدیم  
نام مغان با حکمت و دانش مترادف بود .

قلمرو کشور  
در امتداد سلطنت مادها هگمنانا یا همدان پایتخت گردید  
و مرکز ملیت آنها شد . دوره کشورداری آنها صد و پنجاه  
سال پائید و ایالات آتروپاتین ، ری ، ارمنستان ، کاپادوکیه ، هیرکانیا ، پارتا و  
باختر و بعدها پارس در گرده حکمرانی آنها واقع بود .

بطوری که در سنگتراشیهای برجسته تخت جمشید مشاهده  
میشود مادها از حیث قیافه و اندام و غیره با پارسها تفاوتی  
نداشته اند . مردمانی سفید پوست باموهای انبوه و قیافه  
آریائی و چشمان تیز و سینه فراخ و کمر باریک بوده و قامتی نسبتاً بلند داشته‌اند  
زن مادی زیبا و دارای اندام موزون و قامت بلند بوده اند<sup>۴</sup> . محیط طبیعی

۲ - خصوصیات  
نژادی مادها

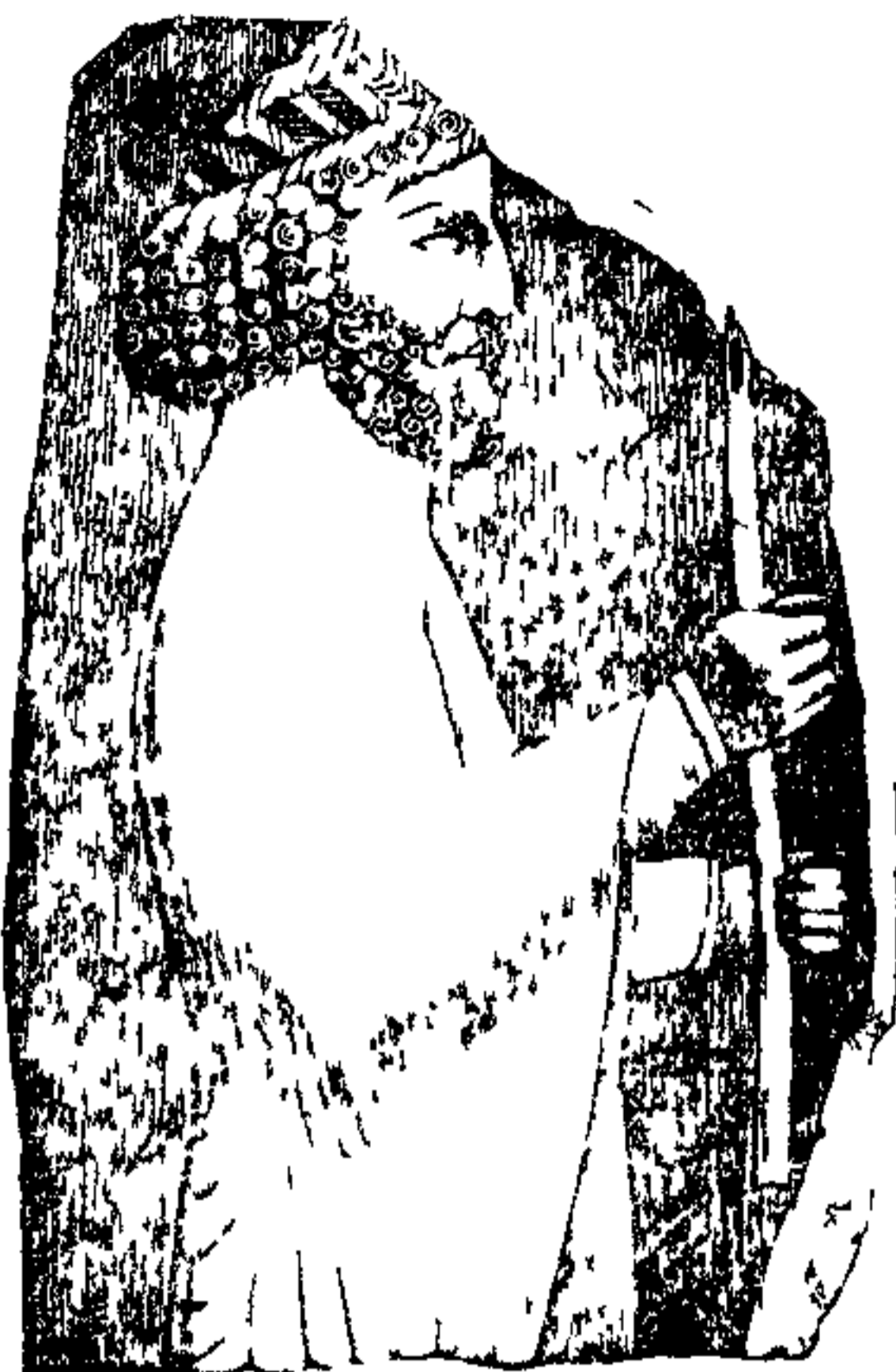
۱ - Harper, ABL, No. 126, et., Waterman, RGA, 1:86 f.

۲ - درباره شاهان ماد و رمان آنها و اختلاف نظر سن هرودوت و کتسیاس ، مورخین قدیم  
یونانی ، رجوع شود به تاریخ ایران باستان ، نالیف ، رحوم حسن ، برنا ، ج ۱ ص ۱۷۶ ؛  
ولی تازه ترین تحقیقات در این زمینه ، محقق میدارد که دئوکس در ۷۱۵ ق م . از طرف سارگن  
پادشاه آشور تبعید گردید .

۳ - رجوع شود به ص ۳۱۷ یادداشت شماره ۳ .

۴ - گزننون ، کتاب اناسیس ، باب سوم هره ۲۵۹۲ .

مادها کوهستانی و کم‌وبیش سردسیر بوده و همین کیفیت محیط در آنها تأثیر نفوذ داشت بطوریکه مادها مردان سلحشور و زبردست نار می‌آمدند و نام آنها موجب لرزش اقوام دیگر بوده است<sup>۱</sup> در آغاز ظهور مادها مردمی ساده و قانع و بطلا و نقره بی‌علاقه بوده اند<sup>۲</sup> ولی بعدها برحسب تکامل جامعه مادها تحمل پرست شدند و مهور به گان نژادی خود پارسها گردیدند



قنانه آریائی ، اریاشهای برحسب حشند (ریشارد)

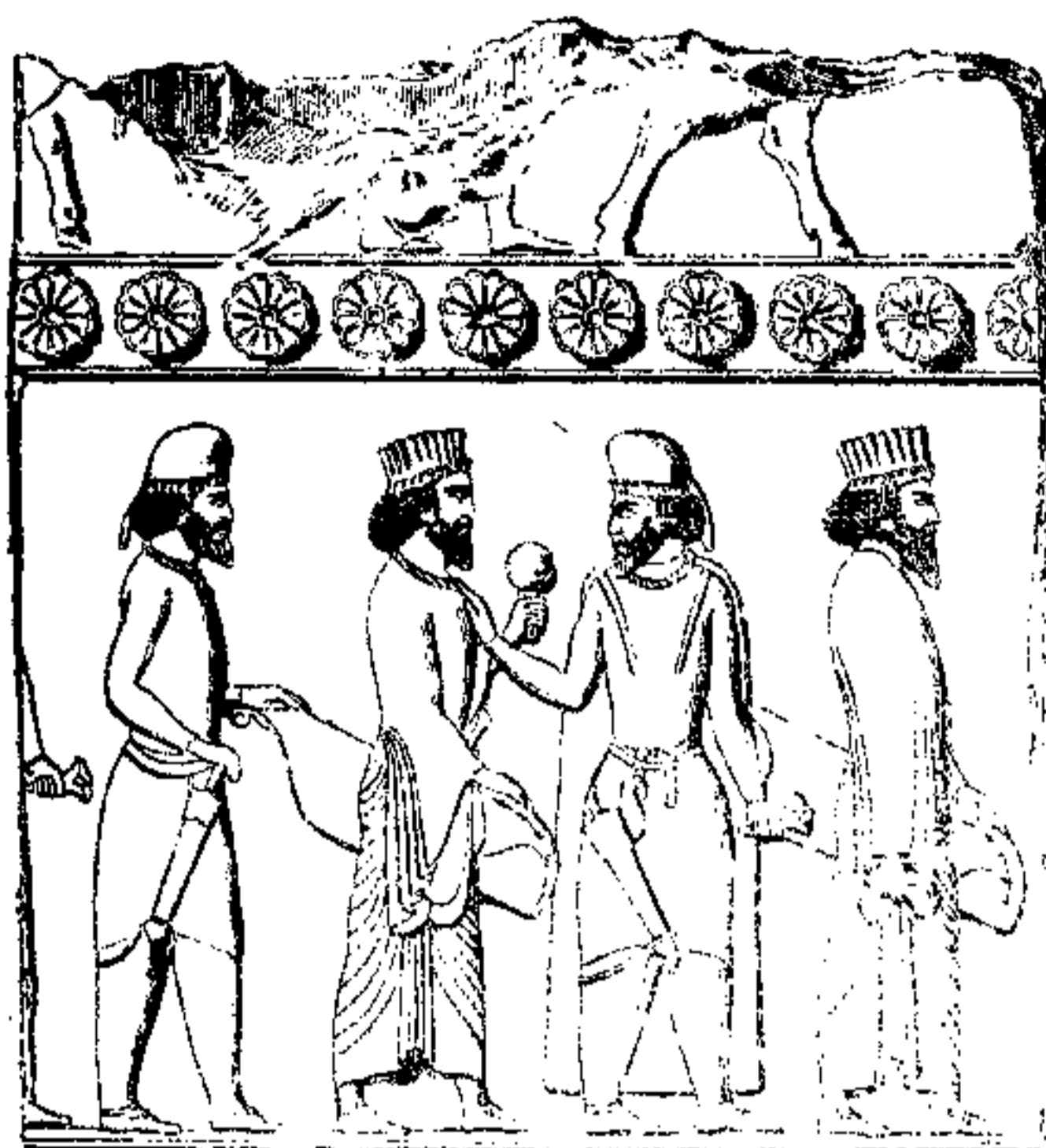
پیش‌اریشوائی  
 ۳- مادها پیش  
 سیاسی دیوکس<sup>۳</sup>  
 ارسلط مای  
 مادها چندین

قبیله بودند که کارشان پرورش مواشی و تشکیلات سیاسی آنها مانند سایر قبایل آریائی میبود. ولی چون رؤسا و امرای آنها با بر خزر هرودوت قانون شکنی

۱ - کتاب حرمال اب ۳۱ فقره ۱۱ ۱۲۱

۲ - کتاب اشعا اب ۱۳ فقره ۱۲

۳ - لفظ آشوری آن Daurukku است و دره ۷۱ ق م ، حاواده اش بدست آشوریا اسر و ارسوی آنها ، همت در سوره بعد گردید . رجوع شود تاریخ آشور بران انگلیسی بالف استاد المهند ، آشورشاس امریکائی ص ۲۴۵



دو نفر که جامه بلند پوشیده اند مادی میباشند  
از نقاشی های برجسته تخت جمشید (فلاندن و کست)

همی نمودند و ب مردم  
زیاد رویه‌ها و امید داشتند  
مادها در اندیشه  
بر گزیدن شاهی شدند.  
چون دیو کس معروف  
بعداک بود و مردم در  
امور قضائی از او استشاره  
نموده و دعاوی خود را  
پیش او میبردند سر انجام  
او را شاهی بر گزیدند.  
دور نیست که زیاد رویه‌های  
نمایندگان دولت سامی  
آشورا و سر باز گیری  
از میان مادها برای

جنگهای دائمی خود نیز از جمله عوامل برانگیزاننده مادها بوده ولی نویسنده مدارکی برای اثبات این مدعا در دست ندارد.

علت عمده نبودن آثار خاصی از مادها همانا نفوذ بی نهایت مدنی آنها در مدنیت پارسها بوده است و مدنیت پارسها را حتی میتوان دنباله مدنیت مادها انگاشت.

۴ - نسبت مدنی  
پارسها و مادها

مادها اقتباسات زیادی از تمدن آشور و بابل نموده بودند و پارسها بنوبت از مادها اقتباس کردند. فی الواقع پارسها پس از استیلا بر بستگان نژادی خود بطوری حیات مدنی آنها را تقلید نموده و ادامه دادند که ملل دیگر تفاوتی میان

۱ - منابع اصلی آشوری که در تاریخ آشور تألیف الم سندن ذکر گردیده (H. 136,526) ص ۳۴۶.

این دولت آریائی نمیگزاردند و آنها را از هم امتیاز نمیدادند.<sup>۱</sup>

راجع بتشکیلات سیاسی واجتماعی و مذهب و زبان و خط  
 ۵ - خصوصیات اخلاقی و مدنی مادها  
 و صنایع مادها اطلاعات ما بسیار محدود و ناقص است و سنگ

نوشته هائی از شاهان ماد بدان شهنشاهان هخامنشی هنوز  
 کشف نگردیده تا مدرك اطلاعات خود فرار دهیم . تنها اشاره باخلاق مادها يك  
 سند آشوری در قرن هشتم ق . م . میباشد كه آنها را «مردمی آرام» توصیف نموده.<sup>۳</sup>

قبل از تاسیس دولت بزرگ مادها تشکیلات سیاسی آنها  
 ۶ - تشکیلات سیاسی  
 ملوك الطوائفی بود و عبارت از شش عشیره بزرگ<sup>۲</sup> بوده اند

كه هر يك زندگانی سیاسی و شغلی مستقل داشت و بعد از  
 تشکیل سلطنت ، شاه در سر آنها قرار گرفت . و این بنظر نیاید كه تشکیلات داخلی  
 آنها تغییر مهمی کرده باشد . تغییر عمده عبارت از تفویض روحیه جمعی و ملی آنها بود .

در میان مادها سلسله انساب نظیر آنچه در هندوستان دیده  
 ۷ - طبقات مردم  
 میشود وجود نداشته ولی رو به مرافقه از زمانهای پیشین سه

طبقه در میان آنها بوده است پیشوایان ، سپاهیان و برزیکران . در اوستا این کلمه  
 خوشنو و زرنا و ائربامن است.<sup>۴</sup> در جای دیگر اوستا . طبقه دیگری بنام هوئی تی<sup>۵</sup>

یعنی اهل حرفه و صنعت بآنها افزوده شده و محتمل است كه ایجاد این طبقه پس از  
 مجاورت با آشور و بابل بوده است . تفاوت عمدتای كه میان ایران و هندوستان

داشته اند این بوده كه در هندوستان سلسله انساب بمرور زمان ریشه دوانیده و  
 منحصر شده و سدی در مقابل ترقی آنان گردید . ترجمه هائی كه ایران شناسان برای

۱ - مثل همزمان یارها و یونانها حتی مدنی پس از تشکیل شاهنشاهی هخامنشی آرامادی  
 می نامیدند چنانكه جنگهای با یونان را جنگهای مادی نیز نامیده اند .

۲ - Herod. 1:96, 101.

۳ - Waterman, RCAE, I, 86 f.

۴ - Airyāman و Varezena و Aiaetan. ۵ - Huiti.



شکل یکی از مغان که در حالت عبادت ایستاده و رسمی در دست دارد. از حجاریه‌های سرپل‌رهاب (نلاندن و گست)

کلمات مزبور پیشنهاد کرده اند یکسان نیست ولی آنچه مسلم است اینست که طبقه پیشوایان روحانیان و ریش سفیدان بوده که در عین حال آذربائی و آموزگاری نیز کار ایشان بوده و در میان مادها ظاهراً به مگا یا مفا معروف شده بودند.

مذهب مادها با مذهب

۸ - مذهب

پارسیها ظاهراً اختلاف

مهمی نداشته و همان مذهب مغان بوده است.

مانند آریانیها در زمانهای پیشین عناصر و مخصوصاً مهر را می پرستیده اند. ظن نزدیک یقین این است که زردشت در آتروپاتن (آذربایگان) تولد یافته و چون در آن زمان به نسبت تأثیر همسایگی ملل سامی و بومیهای ایران خرافات و جادوگری را مفا نام مذهب آمیخته بوده اند زردشت در سدد اصلاح و تجدد افتاد. چون در بادی امر دید مردم بگفته های او گوش فرامیدهند باختی رفته و وشتاسپ والی یا پادشاه باختی را با اصلاحات نوین همراه ساخت. وی از او حمایت نموده و بدین وسیله آئین مزدا پرستی عمده میت یافت و این واقعه ظاهراً در زمان شاهی کوروش سردودمان هخامنشی بوده است و ذکر آن در جای خود بیاید.

۱ - رجوع شود به فهرست الفبائی در پایان کتاب و گفتار در پیرامون مذهب هخامنشی و تربیت دینی در صفحات ۲۹۰-۳۱۹ این کتاب.



## بند دوم

### تعلیم و تربیت مادها

راجم بمعارف مادها اطلاعاتی در دست نیست زیرا که نه سنگ‌نوشته‌هایی از آنها تاکنون یافت شده تا مدرك قرار داده شود و نه از یونانی‌ها و یاهملل قدیمه دیگر در اینزمینه

۱ - معارف  
مادها

اطلاعاتی رسیده است .

پادشاهان مادی دفاتر شاهی یاسالناه‌ها داشته‌اند که وقایع و گزارشهای کشوری در آن ضبط میگردیده و بر طبق قانون

دفتر شاهی

حفظ میشده است<sup>۱</sup> ولی جز ذکر نام اثر دیگری از آنها باقی نمانده است .

تا حدی تعلیم و تربیت و اجتماعیات مادها را میتوانیم از کیفیت

۲ - نزدیکی تربیت

تعلیم و تربیت هخامنشیان حدس بزنیم زیرا که میدانیم پارسها

مادی و هخامنشی

دربادی امر از حیث تمدن و معارف پست تر از مادها<sup>۲</sup> ولی

همتراز و همکیش و همزبان آنها بودند و وقتی که پارسها بر آنان تسلط یافتند

تمدن آنها را اخذ کردند تا باندازه ای که ملل دنیای قدیم سلطنت پارس را تمدید

سلطنت مادی می‌شمردند .

همان مقامی را که مغ‌ها در دربار ماد داشتند در دربار پارسها نیز احراز

نمودند<sup>۳</sup> و نظامات و عادیات مادها را اخذ کردند ، در اینصورت آیا میتوانیم بگوئیم

۱ - کتاب استر ۲: ۱۰ .

۲ - Rawlinson, *Seven Great Monarchies*.

۳ - در دوره داریوش اول و خشایارشا و اردشیر اول آئین زردشتی مذهب درباری بوده و بمناسبت قضیه گمنا پایدیای دروغی از نفوذ و شهرت مغان موقه کاسته شده بود .

که تعلیم و تربیت مادها همان بود که در نزد پارسیها معمول میبود؟ شاید تا حدی اینطور بوده ولی نمیتوان از روی آن تعلیم و تربیت مادها را تشخیص داد.

این امر در تاریخ مسلم است که هر وقت ملتی نیرومند و تازه نفس بر ملت قدیمتر و متمدنتر، که بر اثر تجمل پرستی و احراز خصوصیات حیات شهری نیروی جنگی خود را

۳ - اقتباس  
از آشوریه

از دست داده، غالب میشود تمدن ملت مغلوب را کم و بیش اخذ میکند. مادها نیز در نتیجه همسایگی و چیرگی بر آشوریهای که متمدنتر از خودشان بودند در تحت تأثیر نفوذ تمدن آنها واقع شده و در اکثر مسائل مانند صنایع و آداب درباری و امور کشوری و لباس و آرایش شخصی آشوریها تأسی مینمودند ولی روحیات و تربیت ملی آنها سبک آشوریها و بابلیها را در این امور نداشت<sup>۱</sup>. بنابراین اطلاعاتی که راجع بسبک تعلیم و تربیت و تمدن آشور و بابل در دست است اخلاق و صفات و سجایای قومی و نژادی مادها با اخلاق و سجایای قومی و نژادی آشوریها اختلاف بسیار داشته و اقتباساتی که مادها از ملل مقهوره آشور و بابل کرده اند در زمینه صنایع و هنرها و آداب درباری بوده است.

مادها اگرچه از حیث تمدن پستتر از همسایگان سامی خود بودند ولی از حیث اخلاق برتر از آنانند و مانند زعمای آشوری بخونریزی و خرابی رساندن بممالک دیگران حریص

معاون اخلاقی  
مادها با آشوریه

نبودند و معتقدات آنها چنانکه از مبحث ما راجع بمذهب و عقاید آنان معلوم شد عبارت از سعی و عمل و آباد کردن زمین و نفرت از زشتی و دروغ بود.

در تاریخ مادها قبل از دوره سلطنت و بعد از آن اطلاعات

جزئی و منفرد نمیتوان یافت که چون کم و بیش در تحت نظم آورده شود بیک میزان تقریبی راجع بتعلیم و تربیت آنها بیاورد.

۴ - مراحل تاریخ  
تربیت مادها

۱ - برای شرح مفصل تر تعلیم و تربیت مردم آشور و بابل رجوع شود بجلد اول کتاب «تاریخ تعلیم و تربیت» تألیف نگارنده.

تاریخ تربیت مادها را باید بمتابعت دو مرحله تاریخ سیاسی و مدنی آنها بدو قسمت تقسیم نمود. مرحله اول از ابتدا تا هنگام تبعید دیاکوس از طرف سارگن آشوری در ۷۱۵ ق. م. و مرحله دوم را شاید از دوره مهم شاهی خشایارشا فراتر اورد که در بین سالهای ۶۷۵-۶۵۳ ق. م. بود تا انقراض دولت ماد بدست کوروش بزرگ در ۵۵۰ پیش از میلاد باید قرار داد.

سرچشمه فلسفه اجتماعی ایرانیهای آریائی از زمانهای پیش از مهاجرت ها کم و بیش همان فلسفه مذهبی آنها بوده، یعنی اعتقاد بوجود یکرشته موجودات خوب و نیکی رساننده در دنیا که در مقابل آنها یکرشته وجودهای بد و زیان رسان در بردند و اینکه مظاهر وجودهای خوب و نیکی رسان همان چیزهایی هست که برای آدمی سودمند است و مظاهر هستی های بد و زیان رسان نیز همان چیزهایی است که رای آدمی زیان آور است و وسیله چیره شدن بر وجودهای بد تنها سعی و عمل است.

• - مرحله نخستین  
و فلسفه اجتماعی

در اینصورت معیارهای اجتماعی آنها که بنوبه منظور و هدف تربیت نورسندگان قرار داده میشده بدون تردید آشنا ساختن ایشان تدریجاً و با اقتضای مراحل رشد با ارمانهای اجتماعی خانواده و تیره و قبیله و قوم بوده است، چنانچه در ضمن تشکیلات سیاسی و اجتماعی ایرانیهای اوستائی ذکر شد خانواده واحد تشکیلات اجتماعی ایرانیهای آریائی بوده و همین مسئله بویژه در تشکیلات اجتماعی پارسها و اشکانیها نیز مشهود است و ذکر هر یک در جای خود بیاید.

مقاصد تربیت

تربیت خانوادگی

پدر بزرگتر خانواده و صاحب اقتدار و قاضی و معلم دینی اطفال و سرمشق افراد خانواده بوده است. مراقبت آتشگاه خانمان نیز پیوسته با او بوده که مبادا خاموش شود. اجرا

جنبه آموزشگاری  
پدر و مادر

۱- Jackson, A. V. W. *Zoroastrian Studies*. (N. Y., 1928). p. 210, & Gray, L. *Foundations of Iranian Religions*, Introd.

کننده مراسم و آداب مذهبی نیز او بوده است. زن اختیاراتی نسبت بشوهر نداشته ولی بانوی خانواده شناخته میشده و گرده بانوی با او بوده و رو بهمرفته چنین بنظر میآید که پایه‌زنها در نزد آریانیهای ایرانی بهتر از پایه‌آنها در نزد مردمان دیگر بوده است<sup>۱</sup>.

مادها در اسب سواری و تیراندازی در دنیای قدیم مشهور

اسب سواری

بوده اند و از کودکی با اسب سواری و تیراندازی و قیقاچ

و تیراندازی

زدن، مانند پارتها چند قرن دیرتر، آموخته میشدند اسب

مادی در عصر قدیم معروف جهان بوده بخصوص اسبهای نسانی یا نیسانی که از حیث قشنگی و تندروی و زیبایی مانند نداشته<sup>۲</sup>. نتیجه و تأثیر تربیت مادها را از این مقیاس باید گرفت که قدرت آشور را درهم شکستند.

راحم بیدارج سنی و تربینی حیوانات مادی مدرکی در دست

مدارج سنی

نیست وای از قرائن میتوان حدس زد که مرحله نخست از

تربیتی

آغاز نولد تا سن هفت بوده است. راحم به نیرنک نوزود و

استعمال کشش و سدره در سن هفت که در میان ابراهیمهای دوره هخامنشی و ساسانی

آغاز دوره عقل و مسئولیت نوجوان شمرده میشده مدرکی در دست نیست تا مادها

نیز اطلاق نمائیم و محتمل است که بطور ساده نری در دوره های قبل از مهاجرت

فلات ایران معمول بوده و بعدها زردشت آنها نیز در تحت نظم در آورده باشد.

دوره دوم سنی و تربینی را باید سن هفت و هجده قرار داد

سن هفتم

و اگرچه راحم به آنها مدرکی در دست نیست ولی چون

با مدیغ

سن پانزده در اوستا مهمترین مرحله سنی شمرده شده و سابقه

آن در نزد ابراهیمها نیز معروف بوده است آنها میتوان سن رشد و مسئولیت فرض

نمود. تحول وظائف الاعضائی و روحی نوجوانان در آن سن نیز فرض ما را

تأیید مینماید.

۱ - هرودوت کتاب اول بند ۱۰۲.

۲ - ابصا هرودوت کتاب هفتم بند ۴۰ و سترابون ۱۳:۹.

تا زمان دیوکس تعلیم و تربیت جوانان مادی بلا تردید از

۶ - مرحله دوم  
تاریخ تربیت مادها

حدود خانواده و تیره و عشیره تجاوز نکرده بود ولی در

هنگام تأسیس دولت ماد مسائل تازه ای پیدا شد که موجب

توسعه و تکامل منظوره‌های اجتماعی آنان گردید و بی شک مهمترین آنها تربیت و وحدت

ملی و تجهیز قوای جمعی برای حفظ استقلال و افزایش استیلا بر دیگران بوده است .

در نظر محققین زبان مادی بحدی بزبان پارسی نزدیک بوده

زبان مادی

که زبان یکدیگر را بخوبی میفهمیده اند . بنا بر عقیده

نلدکه . ایران شناس آلمانی ، هر گاد آثار نوشته‌ای از مادها بدست آید از حیث

خط و زبان با سنگ‌نوشته‌های پارسها یکی خواهد بود <sup>۱</sup> . دارمستتر ایران شناس

معروف فرانسوی . زبان کردی را مشتق از زبان مادی میداند <sup>۲</sup> .

در اینکه مادها خط مینوشته اند و نوشته هائی بزبان مادی

خط و سواد

وجود داشته‌های تردید نیست <sup>۳</sup> . خواندن و نوشتن ظاهراً

تا حدی میان مردم معمول بوده و منحصر به آنها نبوده است . چنانکه مردم

عرایض خود را بشخصی که تعیین شده بود مینگاشته اند و شاه عرایض را خوانده

و رسیدگی میکرده و حکم را نوشته بآنها پس میفرستاده است <sup>۴</sup> .

۱ - Nöldeke, *Etudes Historiques sur la Perse Ancienne*, Paris 1. 96. P. 22.

۲ - Darmesteter, *Zandacesta* (S. B. E.), Introd.

د کتر سعد کردستانی ، متطبب و محقق درالسنه قدسه ، لهجه اورامانی و مروانی را که از لهجه ( dialecte ) های قدیمی کردی است زبان مادی شجعی داده و در ضمن کتابی که بچاپ سنگی در تهران چاپ شده ، ( ۱۳۰۹ شمسی ) واژه‌های آنرا گرد آورده است ، و ای چون با حروف بی‌اعراب نوشته شده و با واژه‌های عبری کردی آمیخته است از اینرو استفاده از آن از دیدة زبان‌شناسی دسوار است ولی خالد دوم آسکناب که وعده داده شده ظاهراً دارای اعراب و مقایسه مازبانهای دیگر و بر روی اصول علمی و ازمه‌شناسی خواهد بود .

۳ - کتاب دانیال ۶ قرة ۹ .

۴ - Herod. 1:123 & Nic. Dam. Fr. 10 & Dan. 6:9.

ذکر وجود « کتاب تاریخ شاهان ماد و پارس »<sup>۱</sup> نیز احتمال وجود ادبیات را در میان مادها نشان میدهد و هرگاه چنین کتابی تألیف پارسها بوده بیگمان مبتنی بر آثار و ادبیات مادی بوده است.<sup>۲</sup> اشارات یونانیها به دانش مغان، که ظاهراً در دنیای قدیم معروف بوده. خود دلیل وجود ادبیات فلسفی و متاوراه الطبیعی بوده که از آنها بجز انعکاسات در آثار بعضی از حکمای قدیم یونان<sup>۳</sup> اثری نمانده است. باینکه در نتیجه تمدید فرهنگ و تمدن مادی در دوره هخامنشی، مانند بسی چیزهای دیگر<sup>۴</sup> باسم تمدن قوم غائب شناخته شده و باینکه در آن مستهک گردیده است. مادها خطوط میخی را از آشوریهها فرا گرفتند همچنانکه پیش از آنها عیلامیها نیز اقتباس کرده بودند ولی بر طبق تحقیقات نوین الفبای ۳۹ حرفی را آنها از خطوط میخی آشوری ساختند. خطوط میخی از مادها پارسها نیز منتقل گردید<sup>۵</sup>

احتمال وجود ادبیات مادی

خط میخی

دیوکس دوره درازی سلطنت مود (۶۰۸-۶۵۵ ق. م.) و مساعی خود را در راه جمع آوری و اتحاد قبایل پراکنده مادی و سایر قبایل ایرانی مصروف داشت. در زمان هورخ شتر (۶۳۳-۵۸۵ ق. م.) بعد از شکست از آشور پادشاه بقوای چریکی که پدرش اطمینان کرده بود قانع نشده و در ۶۲۵ ق. م. تجهیز قوای ملی مادها پرداخته<sup>۶</sup> و شروع بایجاد ارتش

سواره بندی  
سنت مادها

تربیت نظامی

۱- کتاب استر ۱۰، فقرة ۲.

۲- Rawlinson, *Great Monarchies*, (1879) II, p. 311.

۳- رجوع شود صفحات ۳۱۷-۳۱۹ این کتاب.

۴- Strabon (I. S. C.).

۵- Breasted, J. H., *Ancient Times, A History of the Early World* (1933) p. 258.

۶- Cameron, G. G. *History of Early Iran* (Chie. 1936) p. 213.

## تعلیم و تربیت ایران باستان

مرتبی نمود و ارتشی بسبک آشوریها ترتیب داد نیروی او مرکب از پیاده و سوار بود. پیادگان بتیر و کمان ۱ و شمشیر مسلح بودند. قسمت عمده ارتش سوار بوده و افراد ارتش از کودکی باسب سواری و تیر اندازی و قیاج زدن آموخته میشدند ۲ و در این امور مهارتی بسزا پیدا کرده بودند، چنانکه اشکانیها چند قرن بعد همین چیزها را اهمیت میدادند. در شیوه جنگ و گریز و انقباض دشمن زبردست بوده اند و عامل عمده پیروزی آنها بردشمن تربیت دربی کم و کاستی و بنشانه زدن تیرها بوده است. در ۶۱۵ ق. م. تجهیزات ۶ ساله اوبار آورده ضربه قاطعی باشور زد ۳. در یورش و ضربه قاطع بر حریف تا حدی مهارت داشته اند که در جهان همزمان خود بمادهای «وحشت انداز» معروف بوده اند ۴.

در زمانهای پیش و قبل از دوره تجهیزات ملی اسلحه تعرضی

مادها نیزه های بلند و اسلحه دفاع آنها سپرهای مربع مستطیل

تکامل

اسلحه مادها

بوده است. بعدها تیر و کمان جای نیزه دراز را گرفته بود

ولی در دوره دوم تاریخ مادها سبک و تنوع اسلحه آنها کاملتر گردید چنانکه بر اسلحه

حمزه آنها از نو نیزه دراز ۵ و شمشیر ۶ نیز افزوده گردید. شمشیر آنها کوتاه و

گویا قدری بزرگتر از خنجر بوده است.

بر طبق تصاویر برجسته تخت جمشید کمان مادها بسیار خمیده و کوتاه بوده

و بسبک آشوریها برای آن جلدی داشته اند که در پشت سر میآویخته و یا بکم

می بسته اند. تیرها را در تیردان پشت بازوی راست میآویخته اند.

۱ - کتاب آرمیا باب ۱ قمره ۳۵-۳۷ و ۴۲، ۲۹، ۱۴:۵۰ و ۳:۵۱ و اشعیا ۱۸:۱۳.

۲ - گزنهون ۱ سروپیدی ۴:۱ و استرابون گوید که تربیت معروف یارسیا از مادها اقتباس شده

بود (Str. I. S. ۱۰).

۳ - Diod. Sic. 2:28. q1g. Kleasias.

۴ - flor. Od. I. 29. or II 16. «Horribilis Medusa».

۵ - کتاب آرمیا ۲۳:۶.

۶ - هرودوت و ایضا آرمیا ۳۵:۷.

## آموزگاران سگانی



حنکمان سگانی، از تصاویر دور کلدانی که در دحمه سگانی پیدا شده  
(رالیس)

اسلحه دفاع آنها  
یکی جامه فلزی بوده  
که از ورقه های فلز  
تشکیل میشده و در  
تن آنها بفس های  
ماهی شباهت داشته  
است<sup>۱</sup>. سپر مادها

مربع مستطیل<sup>۲</sup> و نسبت نزرک بوده و ظاهراً آنها از آشوریها اقباس نموده بودند  
و در هنگام جنگ تن شش ته آنها بر روی زمین فرار میداده اند<sup>۳</sup>.

مادها نیز مانند سایر قبایل ایرانی شکار را تمرین جنگ  
میدانستند بنابراین هرودوت هووخ شتر یکده ساحشوران  
سگانی را که شکارچیان قبابی بودند برای آموزش کاری حواناتان

آموزگاران  
سگانی

مادی در فن سواری و تیر اندازی و شکار برآورد

سترابون گوید که تربیت معروف پارسها از مادها اقباس  
شده بود از این روی شاید قسمت اعظم مواد تربیتی پارسها  
را چنانکه شرح آن در جای دیگر این کتاب بیاید، بتوان

تجدید تربیت مادها  
در دوره یارسی

به مادها نسبت داد.

۱ - هرودوت ۷: ۹۱. بر طبق حمر اس نوشته شده (ج ۱ ص ۴۴۱) آشوریها بر این نوع جامه  
حنکی را می پوشیده اند و دور سب که مادها آنها را از آنها اقباس کرده بودند.

۲ - Olmstead, A. T., *History of Assyria* (N. Y. 1923) p 244

این حمر مستی بر منابع اصلی آشوری است.

۳ - هرودوت ج ۱ ص ۴۴۴-۴۴۶.



## بنکسوم تربیت شغلی

محتمل است که شغل عمده بیشتر مردم ماد شبانی و پرورش

۱ - پرورش مواشی و کشتکاری  
مواشی بوده . اسبهای مادی و نیسانی معروف جهان قدیم  
بوده . در نقاط متناسب بکشتکاری و برزگری نیز میپرداختند

و وجود طبقه برزیگران در میان آنها خود دلیل بر توسعه کشتکاری بوده است . در  
زندگانی روستائی و کشتکاری زن و مرد و سایر اهل خانه سهم بوده و همکاری  
میکرده اند .

بمرور زمان طبقه دیگری بنام « هوئی تی » یا اهل هنرها و

۲ - وجود هنرها و صنایع  
صنعتها در میان مادها پیدا شد و ساختن ادوات فلاحتی و بویژه  
اسلحه سازی در نزد آنها از پیش تاحدی معمول بوده است .

در نتیجه کاوشهای قدیم و جدید در نواحی که سابقاً پایگاه مادها بوده تا حدی میتوان  
بآثار صنعتی متنوعی برخورد کرد که چگونگی و سابقه صنعتی آنها را تا اندازه ای  
روشن مینماید .

دیولافوای ، کاونده فرانسوی ، در شوش آثار تمدن قدیمی کشف نمود که

متعلق بدوره سلطه پیش از پارسیها بوده است . صنعت کاشیهای لعابدار در شوش پایه ارجمندی  
رسیده بوده و نمونه های آن بموزه لوور پاریس برده شده است .<sup>۲</sup> در نتیجه کاوشها در  
حوالی همدان سنگتراشیهای برجسته ای بدست آمده که منسوب به صرمادی است .<sup>۳</sup>

۱ - رجوع شود بتصویر غلاف زرین (ص ۲۷۸ این کتاب) که منسوب بدوره مادی و در ضمن  
« خزانه جیحون » کشف شده .

۲ - Dieulafoy, Marcel, *L' Art Antique de la Perse*, Paris 1884-9.

۳ - از جمله رجوع شود بتصویر بازمانده شیر بزرگ سنگی ص ۱۲۹ این کتاب .